روزنامه ورزشی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی ■ مدیرمسئول: علی عالی ■ تلفن: ۱۴ـ۸۸۵۰۴۱۱۳ ■ نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳ ■ سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷ـ۸۸۵۰۱۳۰۰ ■ انتشارات: ۵ و ۸۸۷۴۶۵۸۳ ■ امورمشترکین: ۸۸۵۴۸۸۹۲ ■ ۸۸۵۲۱۹۵۴ـ۸۸۷۴۸۸۰۰ ■ نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸/ صندوق پستی ۵۳۸۸ـ۱۵۸۷۵ ■ چاپ: ایرانیان
info@inn.ir

کاریکاتور

عمر ممانی ■



دیروز دربی مرسی ساید برگزار شد. کاریکاتوریست سایت گل به مناسبت جدال آنجلوتی ایتالیایی و کلوپ آلمانی این بازی را به رویارویی پیتزای ایتالیایی و هات داگ آلمانی تشبیه کرده بود.

VAR بازیگر اصلی دربی مرسی ساید



فوتبال ژورنال

رسول مجیدی ■ @Rasoulmajidi

اصلی‌ترین دلیلی که منجر به وجود آمدن پدیده‌ای به نام VAR بود، کم شدن بحث و جنجال ها درباره تصمیمات داوری بود. قرار بود سهم اشتباهات انسانی در فوتبال کم شود و هواداران اعتراض کمتری به تیم داوری داشته باشند. حالا دست کم در لیگ برتر انگلیس این دلایل همگی رنگ باخته‌اند. اتفاقاً شاید بحث ها بیشتر هم شده باشند. قبلاً اشتباهات را داور وسط در کسری از ثانیه انجام می داد اما حالا تیمی زبده در زمان کافی و داشتن زوایای دید بسیار باعث می شوند تا هواداران حس کنند در حق تیم‌شان بی عدالتی شده. آخرین نمونه‌اش دربی روز گذشته مرسی ساید بود؛ جدال مدافع عنوان قهرمانی با صدرنشین فعلی لیگ برتر. لیورپول کلوپ مقابل اورتون آنچلوتی؛ جدالی که ۲-۲ مساوی شد اما چند تصمیم بحث برانگیز داوری داشت که می توانست به طور کلی نتیجه بازی را متفاوت کند. لیورپول خیلی زود به گل رسید؛ دقیقه ۳ توسط مانه‌ای که تازه از کمند ویروس کرونا خلاص شده بود. این برتری می توانست در دقیقه ۷ دو برابر شود. وقتی که جوردن پیکفورد یک تکل دوپای کاملاً خطرآمیز روی پای ویرجیل فن دایک بست و موجبات مصدومیتش را فراهم آورد!

صحنه قطعاً پنالتی بود و داور اگر می خواست کمی، فقط کمی به پیکفورد مهربانی کند، می توانست کارت قرمز را به زرد تقلیل دهد اما تصمیم؟ آفساید فن دایک.

تصاویر VAR نشان می داد تنها دست فن دایک در منطقه آفساید بوده اما کارشناسان کمک داور ویدیویی انگلیس معتقد بودند کتف فن دایک هم در آفساید بوده و کتف جایی است که می توان با آن گل زد و در نتیجه تصمیم آفساید درست بوده. چنین تصمیماتی در فوتبال انگلیس هر سال بحث برانگیز است اما مسأله اصلی اینجاست که آن صحنه چه آفساید بود و چه نبود باید با جریمه پیکفورد به پایان می رسید. آن تکل در هرجای زمین قطعاً کارت دارد. حتی اگر در راهروها و در پایان بازی باشد. آن وقت وسط بازی چنان تکلی زده شد که باعث مصدومیت کاپیتان رقیب شد اما به دلیل اینکه فن دایک در آفساید بوده دروازه‌بان اورتون با هیچ جریمه‌ای روبه رو نشد و حتی کارشناسان VAR هم این تصمیم را صحیح دانستند. نقطه عطف اعتراضات به داوری البته در لحظات تلف شده بازی شکل گرفت. اورتون ۱۰ نفره شده بود و لیورپول می خواست از فرصت استفاده کند تا با پیروزی از زمین خارج شود. یک پاس فوق العاده از تیاگو به مانه رسید و او خیلی خوب جردن هندرسون را در جلوی دروازه پیکفورد صاحب توپ کرد؛ ۲-۳ به نفع لیورپول. دربی مرسی ساید برنده داشت. لیورپول صدرنشین را برده بود اما در کمال ناباوری پاس تیاگو به مانه آفساید تشخیص داده شد. صحنه آهسته کاملاً نشان می داد که میلیمتری هم نمی شود آن صحنه را آفساید گرفت اما مسئولان VAR این تصمیم را گرفتند. به قول یکی از خبرنگاران انگلیسی شاید موهای دست مانه در آفساید بوده.

این فصل سعی شده تا خطاهای فصل پیش کمک داور ویدیویی در انگلیس به کمترین حد ممکن برسد اما حالا در یکی از بزرگ‌ترین بازی های فصل، هواداران نمی توانند تصمیمات داوری در شکل گرفتن نتیجه ۲-۲ بازی را نادیده بگیرند. این وضعیت باید در لیگ برتر تغییر کند.



صحنه مصدومیت فن دایک

ویرجیل فن دایک در این صحنه از بازی لیورپول و اورتون مصدوم شد. پیکفورد تکلی دوپا روی پای او زد اما داور به دروازه‌بان اورتون حتی کارت زرد هم نداد چون اعتقاد داشت فن دایک در منطقه آفساید بوده!



ناکامی محض آتالانتا

یکی از بازی های حساس روز گذشته، جدال آتالانتا و ناپولی بود. مسابقه‌ای که در عین ناباوری با برتری ۴-۱ ناپولی به پایان رسید. هیچکس فکرش را نمی کرد در پایان نیمه اول بازی آتالانتا ۴ گل از میزبانش دریافت کند و اینگونه بازیکنانش دست به کمر در زمین بایستند.



پرواز رونالدو بی کالورت لوین

دومنیک کالورت لوین حالا ۷ گله است و در صدر جدول گلزنان لیگ برتر قرار دارد. آخرین گل او در دربی مرسی ساید بدست آمد و دومنیک با چنین پرشی موفق شد کار را به تساوی ۲-۲ بکشاند. خیلی ها پرش او را با رونالدو مقایسه کرده‌اند.

الکساندر هلب؛ ستاره‌ای به وسعت اتحاد جماهیر شوروی!

از یاد رفتگان

علی بابازاده ■

در جهان امروزی فوتبال که با بخش وسیعی از اطلاعات، تکنولوژی و ارتباطات مدرن عجین شده، آخرین خبر و گزارشی را که از فوتبال بلاروس مطالعه کرده‌اید، مربوط به چه زمانی است؟ تا چه حد از فوتبال این کشور که تا سال ۱۹۹۱ زیر نظر اتحاد جماهیر شوروی اداره می‌شد، شناخت دارید؟ فوتبال در کشورهایی نظیر شوروی همواره گره در دنیای سیاست و امنیت داشته و هیچ گاه ورزش اول به حساب نیامده. پس از فروپاشی شوروی این ورزش به شدت در روسیه امروزی تحت‌الشعاع قرار گرفت و تمامی تیم ها و بیشتر بازیکنان دچار افت قابل توجه‌ای شدند؛ سایمون کوپر در کتاب فوتبال علیه دشمن می‌نویسد؛ «از مرد جوانی که می گفت رئیس هواداران تورپیدو بود پرسیدم چرا به بازیکنان می‌خندید؟ پاسخ داد این خنده دوطرفه است. آنها هم دارند به ما می‌خندند؛ چون آنها دلارها و ماشین های خودشان را دارند و ما نداریم. بازیکنان تورپیدو به ازای هر پیروزی پانصد دلار پاداش می گیرند و درآمد هواداران در حد چند روبل است. بدتر اینکه در تورپیدو عملاً هواداران حقوق بازیکنان را پرداخت می‌کنند، چون اکثرشان در شرکت زیل که حامی مالی باشگاه است، مشغول به کار کردن هستند!»

تیم ملی فوتبال شوروی جمعاً از بازیکنان ۱۵ کشور که بعدها جدا شدند استفاده می‌کرد و توانایی اینکه از هر کشور یک بازیکن در سطح اولگ بلوخین اوکراینی را پرورش دهد دارا بود. پس از فروپاشی شوروی دیگر شرایط استفاده از بازیکنان سایر کشورها مهیا نبود و حالا روسیه خود را از کشورهای بزرگ و کوچکی چون بلاروس، اوکراین و گرجستان جدا می‌دید. بدون شک یکی از بهترین بازیکنان تاریخ فوتبال بلاروس بعد از منحل شدن شوروی، الکساندر هلب است؛ بازیکن متولد ۱ مه ۱۹۸۱ در مینسک. الکساندر در سال ۲۰۰۵ و به تصمیم شخص آرسن ونگر، به جمع توپچی ها اضافه شد و بهترین دوران بازیگری خود را سپری کرد. در تیم پر از استعداد آن سال های آرسنال، هلب در کنار بازیکنانی چون تیری هنری، سسک فابرگاس، گیلبرتو سیلوا، امانوئل آدبایور و توماس روسیچکی، حضوری همیشگی و جاودانه داشت و برای فوتبال ملی کشورش، اعتبار و آبرو به دست می‌آورد.

به جرأت می‌توان گفت آرسنال بین سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ یکی از محبوب‌ترین تیم های تاریخ این باشگاه لندنی به حساب می آید و توپچی های دوآتشه قید خاطرات آن زمان را نخواهند زد. با این همه الکساندر هلب که خود بخشی از آرسنال آن روزها بود، از یاد همگان رفته؛ هلب با یک تصمیم اشتباه عمر فوتبالی‌اش را ۳ تا ۵ سال کوتاه کرد و چون تیم ملی بلاروس نیز به حدی ضعیف بود که توان کسب سهمیه های جام جهانی و یا جام ملت های اروپا را نداشت، به دست فراموشی سپرده شد.

نسل امروزی هواداران و کارشناسان فوتبال نوع سبک بازی این هافبک خوش تکنیک را تا حدودی به کوین دی بروینه بلژیکی ارتباط می دهند. هافبک شماره ۱۳ آرسن ونگر فوتبالش را از باشگاه باته بوریسوف آغاز و در دوران بازیگری خود برای باشگاه های اشتوتگارت و بارسلونا هم بازی کرد. برخی از هم‌تیمی های او در آرسنال دلایل ناموفق بودنش را استفاده مداوم از مشروبات الکلی می‌دانند. وویچک شزنی دروازه‌بان لهستانی حال حاضر یوونتوس در این باره می‌گوید: «هلب استعداد خارق العاده‌ای بود. او با وجود اینکه دوران فوتبالی نسبتاً خوبی را پشت سر گذاشت، می‌توانست بازهم به دستاوردهای خیلی بهتر و بزرگ‌تری برسد اما او مشروبات الکلی را بیشتر از پیشرفت فوتبالش دوست داشت!»

الکساندر هلب که هم اکنون ۳۹ ساله است، سه فصل قابل قبول را در آرسنال سپری کرد و سپس در فصل ۲۰۰۹-۲۰۰۸ با انتقالی ۱۷ میلیون یورویی به بارسلونا پیوست.

«در آرسنال بهترین روزهای فوتبالم را سپری کردم و در اوج قرار داشتم. در همان سال اول حضورم در آرسنال به فینال لیگ قهرمانان رسیدیم اما نتیجه را واگذار کردیم. همواره فینالم با آرسنال را بیشتر از فینال سال ۲۰۰۹ که با بارسلونا قهرمان شدیم و در آن بازی نکردم را به یاد می آورم. به خاطر ترک آرسنال پشیمانم و فکر می کنم بزرگ‌ترین اشتباه زندگی ورزشی من بود. ونگر برای من حکم پدر را داشت و من متأسفانه به حرف او گوش نکردم.»

هلب به امید پیشرفت روزافزون و کار زیر نظر گواردیولا و ستاره هایی چون رونالدینیو و دکو به نوکمپ رفت ولی نتوانست دوران درخشانی در بارسلونا برای خود رقم بزند. اوضاع خوب پیش نمی رفت و او هیچ گاه به ترکیب اصلی تیم نزدیک نشد؛ بارسلونا قصد فروش هافبک بلاروسش را داشت و چون تیمی برای خرید دائم پیشقدم نمی‌شد، به سراغ انتقال های قرضی رفت و با باشگاه اشتوتگارت آلمان به توافق رسید. پس از اشتوتگارت هلب سال های آخر فوتبالی‌اش را در بیرمنگام انگلستان، وولفسبورگ آلمان و دوره کوتاهی را نیز در لیگ ترکیه سپری کرد. در نهایت باته بوریسف و ایسلاچ بلاروس آخرین باشگاه های او قبل از آویختن کفش هایش بودند.

الکساندر هلب، هافبک خاطره‌ساز و فراموش شده آرسنال بزرگترین دلیل ناکامی‌اش را این گونه شرح می دهد: «بارسلونا باشگاهی بزرگ‌تر از آرسنال بود و فکر می کردم یک قدم رو به جلو برداشته‌ام ولی در این تیم هرگز به من اعتماد نشد. آن سال ها گواردیولا به تازگی مربی بارسا شده بود و با وجود اینکه می‌دانست شرایط خوبی ندارم، با من صحبت نمی‌کرد. اطمینان دارم که اگر ونگر جای گواردیولا بود، به گونه‌ای دیگر با من رفتار می‌شد. می‌دانم مقصر اصلی خودم هستم و اگر از آرسنال جدا نمی‌شدم، حداقل ۵ سال دیگر در بالاترین سطح فوتبال بازی می‌کردم.»